

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام

امام چهارم، حضرت علی بن حسین عَلِيهِ السَّلَام در روز پنجم شعبان سال ۳۸ هـ ق در مدینه متولد شد. شهر بانو، مادر گرامی آن حضرت، بر اثر تب نفاس از دنیا رفتند. یکی از کنیزان امام حسین عَلِيهِ السَّلَام همچون مادری مهربان دایه او گردید و وظیفه‌ی سرپرستی او را عهده دار شد.

امام چهارم دوساله بود که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب عَلِيهِ السَّلَام به شهادت رسید. ایشان هنگام شهادت امام مجتبی عَلِيهِ السَّلَام ۱۲ ساله بود و در صحنه کربلاء ۲۲ سال سن داشت. در مسیر راه کربلاء امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام بیمار شد و بیماری اش شدت یافت، به گونه‌ای که قادر به حرکت نبود؛ اما همچنان همراه کاروان مسیر را ادامه داد. در روز عاشورا، امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام بر اثر بیماری شدید و ضعف قوای جسمی همچنان بستری بود و نتوانست به میدان برود.

عصر عاشورا، هنگامی که امام حسین عَلِيهِ السَّلَام یگه و تنها ماند، به خیمه‌های برادرانش رفت و خیمه‌ها را خالی دید. به خیمه‌های فرزندان عقیل رفت. آنجا را خالی یافت؛ به خیمه‌های اصحاب توجه نمود: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

آنگاه به خیمه امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام وارد گردید؛ دید آن حضرت بر اثر بیماری شدید روی فرش پوستی افتاده،

و حضرت زینب عَلِيهِ السَّلَام از او پرستاری می‌کند. وقتی که چشم امام سجاد به پدرش افتاد، خواست برخیزد اما نتوانست؛ به عمه اش زینب عَلِيهِ السَّلَام فرمود مرا به سینه ات تکیه بده تا بنشینم.

حضرت زینب عَلِيهِ السَّلَام آن حضرت را نشانده و به سینه اش تکیه داد.

امام حسین عَلِيهِ السَّلَام از احوالش پرسید.

امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام گفت: ((جمد و سپاس می‌گویم خدا را)) سپس امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام عرض

کرد: پدر جان! ماجرای شما با این منافقان به کجا رسید؟

امام حسین عَلِيهِ السَّلَام فرمود: شیطان بر آنان چیره شد و یاد خدا را از خاطر آنان بیرون برد، و جنگ شدیدی بین ما آنها رخ داده که خون ما و آنها در سراسر این زمین جاری شده است. امام سجاد عَلِيهِ السَّلَام از حال عموها برادرها و برادرزاده‌ها و اصحاب یکی یکی سؤال نمود. امام عَلِيهِ السَّلَام فرمود: ((پسر من! بدان که در خیمه‌ها مردی جز من و تو نیست، همه کشته شدند))

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام گریه سختی نمود. سپس به عمّه اش زینب فرمود: ((شمشیر و عصایی به من بده.))

امام حسن عَلَیْهِ السَّلَام فرمود: شمشیر و عصا برای چه می خواهی؟

عرض کرد: ((عصا را برای این که تکیه کنم، و شمشیر را برای آن که از حریم فرزند رسول خدا دفاع کنم؛ زیرا بعد از او خیری در زندگی نیست.))

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام او را از این کار باز داشت و او را به سینه اش چسبانده و او فرمود: ((بسم! تو پاک ترین بهترین ذریه و عترت من هستی. تو جانشین من برای این بانوان مظلوم و کودکان غریب و یتیم می باشی. آن گاه فریاد زد:

((ای زینب، ای ام کلثوم ای سکینه، ای رقیه، ای فاطمه! کلام من را بشنوید و بدانید که این پسر من (اشاره به امام سجاد) جانشین من بر شماست؛ و او امامی است که اطاعتش واجب است.))

بعد از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام هدایت و امامت امت بر عهده امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام قرار گرفت؛ مدت امامت آن بزرگوار حدود ۳۵ سال بود و با دوران حکومت ۵ تن از خلفای بنی امیه همزمان گشت (یزید بن معاویه: ۳ سال، معاویه بن یزید: ۶ ماه، مروان بن حکم: ۲۱ سال و ولید بن عبد الملک ۹ سال)

در اوایل امامت امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَام ، تنها ۴ نفر به عنوان اصحاب خاص آن حضرت به شمار می آمدند. امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام در حدیثی می فرمایند: ((بعد از شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَام همه ی مردم مرتد شدند، جز چهار نفر که عبارتند از: ۱_ ابو خالد کابلی؛ ۲_ یحیی بن امّ طویل ۳_ جابر معطم و ۴_ جابر بن عبدالله انصاری؛ سپس مردم به این افراد پیوستند و جمعیتشان زیاد شد.))

سرانجام امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَام ، روز شنبه ۲۵ محرم الحرام سال ۹۵ هـ ق در سن ۵۶ سالگی به دستور ولید بن عبد الملک مسموم و به شهادت رسد و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.